



بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين إنه خير ناصر و معين الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و علي و آلهما الطيبين الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الأبدین

سؤال: در کتاب شریف اقبال الاعمال سید بن طاووس در اعمال روز سوم ماه مبارک رمضان؛ دعای (یا من تحل به المکاره..) آمده؛ که فزاهایی بیشتر نسبت به آنچه که در کتاب شریف مفاتیح الجنان آمده؛ داراست. آیا هر دو یکی است؟ و آنچه که در اقبال آمده کاملتر است؟ یا اینکه با هم فرق دارند؟

جواب:

- ۱- مصدر آنچه در هر دو کتاب نقل شده است؛ صحیفه مبارکه سجادیه علیه السلام می باشد.
- ۲- آنچه در کتاب اقبال الأعمال آمده است، هر چند بطور پیوسته به مانند یک دعا آمده است؛ ولی در واقع دو دعای مستقل است، یکی: (یا من تحل به المکاره..) و دیگری (یا خیر من خلونا..)، که هر دو در صحیفه مبارکه سجادیه علیه السلام متوالیا و پی در پی می باشد، برخی از نسخ صحیفه مبارکه؛ دعای دوم (یا خیر من خلونا..) را ندارد، و طبق آنچه معروف است این از همان ادعیه ای است که از بعض نسخ صحیفه (مانند صحیفه سجادیه علیه السلام متداول) جا افتاده است، بعضی از نسخ صحیفه مبارکه (مانند شیخ ابن شاذان) که واجد این دعا بوده؛ آنرا بدون فاصله و متصل به دعای قبلی (یا من تحل به المکاره..) و جزو آن نقل کرده اند، و چه بسا نسخه سید بن طاووس از این قسم نسخ بوده ولذا پیوسته نقل نموده است.
- ۳- آنچه در مفاتیح الجنان آمده است نسخه ای از دعای (یا من تحل به المکاره..) است.
- ۴- دعای (یا من تحل به المکاره..) در صحیفه مبارکه سجادیه (چاپ متداول) دعای هفتم است، و در صحیفه مبارکه سجادیه جامعه دعای بیست و چهارم بوده، و دعای (یا خیر من خلونا..) دعای بیست و پنجم می باشد.
- ۵- هر یک از نسخه های موجود دعای (یا من تحل به المکاره..) (چه صحیفه متداول، صحیفه جامعه، نسخه ابن شاذان، اقبال الأعمال، مصباح کفعمی، بحار الأنوار، مفاتیح الجنان) همگی سقط و جاافتادگی متعدد دارند، بعضی کمتر برخی بیشتر، و نسخه مفاتیح از نوع اخیر است.
- ۶- در کلام خازنان وحی علیه السلام آمده است که:

﴿ هر وقت برای حضرت سیّد الساجدین علیه السلام مشکلی یا نگرانی و مهمی پیش می آمد به این دعا (یا من تحل به المکاره..) خدای را می خوانده اند .

﴿ الیسع بن حمزه قمی که از موالیان حضرت امام هادی علیه السلام بوده و در زمان معتصم عباسی (لعین) والی برخی از نواحی بوده است، نامه ای به حضرت امام علی النقی علیه السلام نوشت و در آن خطری را که از سوی وزیر معتصم (ملعون) برایش پیش آمده بود و زندانی شدنش را بیان کرده؛ و بیم و نگرانی خود را از جانب وزیر و تصمیم او به کشتن؛ را شرح داده بود، حضرت علیه السلام در جواب به او نوشتند: نگران مباش، و خدای را با این دعا (یا من تحل..) بخوان؛ خداوند بزودی تو را از این مشکل رها کرده و فرج برای تو می رساند، و این دعایی است که خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در شرّ بلا و هجوم دشمنان و هنگام نگرانی از فقر و دل تنگی از فشار مشکلات؛ خدای را بدان می خوانند . الیسع قمی می گوید: در وقت چاشت خدای را بدین دعا (یا من تحل..) خواندم، مدتی نگذشته بود که فرستاده وزیر آمد و مرا پیش او آورد، وزیر تا چشمش به من افتاد، با چهره گشاده مرا پذیرفت و دستور داد زنجیر را از من بردارند، و نیز خلعت فاخر به من پوشانند و عطر به من هدیه دهند، نگاه مرا نزد خود خواند و با من گفتگو کرده و از رفتار خودش با من عذرخواهی نمود، و سپس اموال مرا که مصادره کرده بود به من برگردانده و مرا به مقر حکومت برگردانده و حوزه آنرا گسترش داده و ناحیه مجاور آنرا نیز به حوزه فرمانداریم اضافه کرد .

﴿ دعای (یا من تحل به المکاره..) همواره در میان بزرگان علمای مذهب اهل حق؛ جایگاه بلند و مرتبه عظیمی داشته، و اصحاب ختومات و توسلات به آن بسیار اهمیت می داده اند، و در وقت نگرانی از تعدیات طواغیت و حاکمان جور و ظلم ظالمین و هر گونه آسیب و فشار به آن توصیه می نموده اند، شیخ کفعمی نیز در کتاب البلد الامین؛ دستور العملی را برای رفع نگرانیها نقل می کند، که مشتمل بر دعای (یا من تحل به المکاره..) می باشد، و ابتدا دو رکعت نماز گذارده و پس از آن خدای را با این دعاها بخواند: دعای (یا من تحل به المکاره..) و دعای بعد از آن (یا خیر من خلوننا..) و چهار دعا از ادعیه سرّ (که حق تعالی در شب معراج به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله تعلیم فرمود): دعای (یا آخذا بنواصی..) و دعای (یا ذاری..). و دعای (یا الله الاله الاکبر..) و دعای (یا مُمکنَ هذا..).

٧- نسخه كامل و تصحيح شدة دعای (یا من تحل به المکاره..) چنین می باشد:

یا من تحل به عقد المکاره، و یا من یفتأ (× و یا من یفلّ) به حدّ (× حمی) الشدائد، و یل من یلتمس به (× منه) المخرج إلى روح الفرج (× محلّ الفرج)، ذلت بقدرتك (× لقدرتك) الصعاب، و تسببت و تشبکت بلطفك الأسباب، و جرى بطاعتك (× بقدرتك) القضاء، و مضت على إرادتك (× ذكرك) الأشياء، فهي بمشیتك دون قولك مؤتمرة، و بإرادتك دون نھیک (× و حیک) مترجرة. أنت المدعو للمهمات، و أنت المفرع فی الملمات (× للملمات)، لا یندفع منها إلا ما دفعت، و لا ینكشف منها إلا ما كشفت، و قد نزل بی یا رب ما قد تکأدنی (× تکأدنی) ثقله، و ألمّ بی ما قد بهظنی حمله (× حمله)، و بقدرتك أوردته علیّ، و بسطانك وجهته إليّ، فلا مصدر لما أوردت، و لا مورد لما أصدرت، و لا صارف لما وجهت، (؟ و لا موجه لما صرفت) و لا فاتح لما أغلقت، و لا مغلق لما فتحت، و لا میسرّ لما عسرت، و لا معسرّ لما یسرّ، و لا ناصر لمن خذلت، و لا خاذل لمن نصرت. فصلّ علی محمد و آل محمد (× محمد و آله)، و افتح لی یا رب (× الهی) باب (× ابواب) الفرج بطولك، و اكسر عني سلطان الهمّ بحولك، و أنلني حسن النظر فیما شكوت إليك (× شكوت)، و أذقني حلاوة الصنع فیما سلّتك (× سلّتك)، و هب لی یا إلهی من لدنك رحمة و فرجا هنیئا قریبا. و اجعل لی من عندك مخرجا و حیّا، و لا تشغلني بالإهتمام عن تعاهد (× تعهد) فروضك و استعمال سنتك (× سننك)، فقد ضقت یا رب بما (× لما) نزل بی ذرعا (× فقد ضقت لما نزل بی یا ربّ ذرعا)، و امتلأت بما حدث (× بحمل ما حدث) علیّ همّا، و أنت القادر علی كشف ما منیت به، و دفع ما وقعت فيه. فصل علی محمد و آل محمد (× محمد و آله) و افعل بی ذلك إلهی و إن لم أستوجهه منك، یا ربّ، یا ذا العرش العظیم و السلطان القديم و ذا المنّ الکریم (× یا ذا العرش الکریم، و السلطان العظیم)، فأنت قادر یا ارحم الراحمین آمین رب العالمین. اللهم صلّ علی محمد و آله أزکی صلاة و أتمّها و أنماها و أكملها یا ارحم الراحمین.